

نگاه

نشست گروه ۲۰ و چند نکته نه چندان مهم

هادی آذری

● (۱) مردم در مواجهه با نشست گروه ۲۰ عموما به سه دسته تقسیم می‌شوند: گروهی آن را گردهمایی رهبران نسبتاً منتخب جهان برای چاره‌گشایی مشکلات اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی این کره خاکی می‌دانند؛ عده‌ای آن را جمعی خبیث و توطئه‌گر از نمایندگان نظام سرمایه‌داری و حامیان جهانی‌شدن می‌دانند که برای استثمار مردم و جستن راه‌هایی برای کسب سود بیشتر گرد هم می‌آیند و عده‌ای نیز اساسا هیچ موضع خاصی ندارند، انکار چنین نشستی هیچ‌گاه برگزار نشده است.
باین‌حال، به هرکدام از این سه دسته که تعلق داشته باشید، این نشست و حواشی آن، درس‌های مهمی برای جوامع درحال‌توسعه یا همان اقتصادهای نوظهور دارد. نشست گروه ۲۰ روز یکشنبه در حالی به کار خود پایان داد که بسان سال‌های گذشته با اعتراض‌های پرشمار و سازمان‌یافته‌ای همراه بود.
درواقع در نشست‌های گروه ۲۰ ممکن است خیلی چیزها تغییر کند اما یک چیز ثابت است: اعتراضات مردمی، اسمال نیز گروه‌هایی چپ‌گرا، فمینیست و طرفدار محیط زیست هم‌زمان و قبل از این نشست، خیابان‌های هامبورگ را به تسخیر خود درآوردند، آن‌هم در شرایطی که اروپا و آلمان، سایه سنگین تهدید تروریسم را بر سر خود می‌بینند و از افراطیون اسلامی زخم خورده‌اند.
درواقع، هم نیروهای امنیتی و هم خود معتزین در معرض تهدید تروریسم بودند.
تجمعات اعتراضی از یک سو فرصت خوبی برای انجام حملات انتحاری و هدف‌گرفتن مردم بی‌گناه است و از سوی دیگر امکان نظارت امنیتی را کاهش می‌دهد.
باین حال، نه حاکمیت آلمان و نهادهای آلمان از این حق مردم با پس نکشیدند. دولت آلمان می‌توانست به‌راحتی و به بهانه تهدید تروریسم و با اعلام وضعیت اضطراری، مانع برگزاری هرگونه راهپیمایی و تجمع اعتراضی شود. از دیگر سو، نهادهای مدنی نیز می‌توانستند به این بهانه، به گذاشتن چند پست اعتراضی در شبکه‌های اجتماعی بسنده کنند، اما آنها از خیابان و حق خود به اعتراض دست نکشیدند. این نشان از یک جامعه مدنی قوی دارد که در آن، هم دولت و هم مردم به اهمیت آن واقف شده و به آن در هر شرایطی متعهدند. چنین نگاهی به نظر حلقه مفقوده توسعه سیاسی در بخش عظیمی از جهان سوم و کشورهای منطقه است.

(۲) باوجود برگزاری اعتراضات مسالمت‌آمیز،

هامبورگ بعضا شاهد درگیری‌های خشونت‌آمیز بود که در آن ده‌ها نفر زخمی و صدها نفر بازداشت شدند، اما آنچه در این میان نادیده گرفته می‌شود این است که حجم وسیعی از زخمی‌ها را نیروهای پلیس تشکیل می‌دهند که نشان از برخورد‌های خشونت‌آمیز جمع قلیلی از معتضان دارد. این شکل از اعمال خشونت کور به نظر بیشتر از آنکه راهگشا باشد، صرفا بازدارنده است. در جایی که پلیس وظیفه برقراری امنیت را دارد، اعمال خشونت جز بحرانی‌کردن شرایط پیامدی دربر نخواهد داشت.
درواقع، این اعمال خشونت هرچند ممکن است از خشمی فروخورده نشئت بگیرد، اما نشانه نوعی از رمانتیسیسم انقلابی دارد که علیه هر شکلی از اقتدار می‌شورد و در کشور ما نیز از سابقه‌ای طولانی برخوردار است. این نوع از اعمال خشونت کور بیشتر از آنکه با حرکت‌های منسجم و حساب‌شده چپ‌گرایان و مخالفان جهانی‌سازی پیوند بخورد، در خود رگه‌هایی از آتارشی‌گری و فاشیسم را می‌پروراند؛ بنابراین هم‌ردی با این خشونت نوعی میدان‌دادن به این نگرش‌های افراطی است. در شرایطی که مردم می‌توانند به شکلی مسالمت‌آمیز دست به اعتراض بزنند، این اعمال خشونت هیچ عملی از اعراب ندارد.

(۳) از دیگر سو، حضور پررنگی معترضان به نشست گروه ۲۰ ما را به این پرسش رهنمون می‌کند که با وجود این پتانسیل قدرتمند و توده‌ای اعتراضی، چرا اروپاییان از ایجاد یک آلترناتیو جدی و واقعی برای همان چیزی که خود گروه‌های معترض از آن به‌عنوان سرمایه‌داری جهانی‌شده یاد می‌کنند، ناتوانند. اگر فقدان این آلترناتیوهای متمرقی را در جوامع درحال‌توسعه و درحال‌گذار، بتوان به پای ضعیف جامعه مدنی، فضای بسته سیاسی و عدم آگاهی نوشت، در جوامع توسعه‌یافته اروپایی چه عاملی مانع شکل‌گیری این آلترناتیو می‌شود؟ جوامعی که به لطف فضای باز سیاسی، آزادی مطبوعات، عدم ممنوعیت برای فعالیت شبکه‌های اجتماعی، سنت قوی ابراز چپ‌گرا و آزادی بیان برای منتقدان چپ‌گرا و سوسیالیست از تمامی زمینه‌های مادی، فرهنگی و اجتماعی ایجاد آن آلترناتیو برخوردارند. البته عده‌ای در پاسخ به این پرسش حتما به سراغ مسائلی چون مهندسی افکار عمومی، سیاست‌زدایی از جامعه و کام‌جویی در جوامع مدرن غربی و خلاصه شرایط پسامدرن می‌روند. اما نمی‌توان این را همه ماجرا دانست. شاید بد نباشد به این علل، گزینه بدبینی افکار عمومی به این بدیل را نیز اضافه کرد. شاید مردم در کشورهای اروپایی که تجربه انقلاب‌ها و نظام‌های کمونیستی را از سر گذرانده‌اند، ترجیح می‌دهند به‌جای برهم‌زدن میز بازی، با بهره‌گیری از نقدی درون‌مندگارا قواعد بازی را به نفع خود و در‌دوره تغییر دهند. شاید زمان آن رسیده که به‌جای تغییر انقلابی جهان، به فکر اصلاح صبورانه آن باشیم. گاهی اوقات یک اصلاح کوچک، مهم‌ترین عمل انقلابی ممکن است، البته در بشر و سپهری تاریخی. به قول محمد مختاری، مسیر نوآوری نه از وانهادن تام‌وتمام سنت، بلکه از نفی دلکلتیکی آن می‌گذرد.

هم‌زمان با سفر منطقه‌ای رکس تیلرسون، وزیر خارجه ایالات متحده، به خاورمیانه انتشار اسنادی از سوی «سی‌ان‌ان» درباره دو معاهده در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ میلادی میان کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس، ابعاد تازه‌ای به بحران قطر بخشیده است. فارغ از درست‌بودن یا نبودن اقدام کشورهای عربی، اسناد این دو معاهده که به «معاهده ریاض» معروف شده‌اند، نشان می‌دهد که قطر به تعهدات خود در قبال کشورهای عربی پایبند نبوده است. البته مقامات قطری، اتهام نقض مفاد این معاهده را متوجه ائتلاف عربی دانسته و هدف از انتشار این اسناد در این برهه زمانی را تضعیف روند میانجیگری عنوان می‌کنند؛ باین‌حال گذشته از سابقه اختلافات میان کشورهای عربی و قطر در مسائلی مانند حمایت از اخوان المسلمین، رابطه با ایران و فعالیت شبکه الجزیره، بدون تردید هم‌زمانی بالاگرفتن تنش‌ها و سفر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، به عربستان را نمی‌توان اتفاقی دانست. شاید با همین هدف دلجویی از قطر بود که رکس تیلرسون روز گذشته در دیدار با تمیم بن حمد آل ثانی، امیر قطر، ضمن قدردانی از اقدامات این کشور در مبارزه با تروریسم، از حملات رسانه‌ای کشورهای عربی علیه قطر اظهار نارضایتی کرد. او همچنین خواستار آن شد که وزرای خارجه همه کشورهای عربی بر سر یک میز مذاکره جمع شده و موضوع بحران و مسائل مربوط به آن را بررسی کنند. از دیگر سو، امضای تفاهم‌نامه درباره مبارزه با تروریسم میان آمریکا و قطر، این فرصت را به وزیر خارجه قطر داد تا در کنفرانس خبری مشترک، قطر را اولین کشوری عنوان کند که تفاهم‌نامه‌ای با آمریکا برای مبارزه با تروریسم به امضا می‌رساند تا از این طریق رابطه حسنه دوحه- واشنگتن را به رخ افتالا عربی بکشد. تیلرسون نیز در نشست مشترک با همتای قطری خود، این توافق را نتیجه هفته‌ها

بحث جدی میان کارشناسان و در راستای نشست ریاض عنوان کرد که در مرحلهی چندگانه در ماه‌ها و سال‌های آینده ریشه تأمین مالی تروریسم را خواهد خشکاند.

واکنش ائتلاف عربی

در مقابل چهار کشور عربستان سعودی، امارات متحده عربی، بحرین و مصر با انتشار بیانیه‌ای، امضای این توافق‌نامه میان آمریکا و قطر را کافی ندانسته و بر این باورند که حمایت مالی دوحه از تروریسم با وجود این توافق‌نامه نیز ادامه خواهد یافت. آنها پایبندنبودن قطر به همان معاهده ریاض را دلیل بی‌اعتمادی به دولت قطر عنوان می‌کنند. در این بیانیه با اشاره به اینکه از نزدیک و با دقت میزان جدیت قطر در مبارزه با تروریسم، تأمین مالی آن و حمایت از آن را زیر نظر خواهند گرفت، این طور آمده است: «امضای یادداشت تفاهم در زمینه مبارزه با تروریسم بین آمریکا و مقامات قطر نتیجه اعمال فشارها و خواسته‌های مکرر ما از قطر در سال‌های گذشته است.»

تیلرسون با وزرای خارجه عربستان، امارات، بحرین و مصر در جده دیدار کرد

تلاش نافرجام میانجی آمریکایی



تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

تیلرسون

نبود. ترامپ در حالی آشکارا قطر را به حمایت از تروریسم متهم می‌کرد که وزیر خارجه و وزیر دفاعش با لحنی متعادل‌تر و بدون متهم‌کردن قطر، طرفین را به حل مشکلات و تنش‌ها از طریق گفت‌وگو دعوت می‌کردند. همچنین دراین‌باره، آر‌سی‌هااموند، مشاور تیلرسون، شروط ۱۳گانه کشورهای عربی را ناموجه خواند؛ بنابراین در صورت تداوم این شرایط، تیلرسون نمی‌تواند هیچ کاری از پیش ببرد؛ هرچند او به لطف مدیرعاملی شرکت «اکسون موبیل»، از شبکه ارتباطی قدرتمندی در منطقه برخوردار است، برای تأثیرگذاری در بحران قطر به چیزی بیشتر از اینها نیاز دارد. شرط اول برای موفقیت تیلرسون در میانجیگری این است که مقام بالادستی او یعنی دونالد ترامپ حرفی مغایر با او نزند. مسئله‌ای که با توجه به خوی دمدمی‌مزاج ترامپ، چندان نمی‌توان به آن مطمئن بود.

فارع از بحث موفقیت‌آمیزبودن یا نبودن سفر تیلرسون به کشورهای عربی، باید دید که چه انگیزه‌هایی آمریکا را به سوی نقش‌آفرینی بیشتر در این بحران سوق داده است. در یک ماه بعد از بحران، انفعال آمریکا در بحران قطر، تحرک بیشتر آلمان را به دنبال داشت که از قضا در ماه‌های اخیر با به‌دست‌گرفتن پرچم جهانی‌شدن و اتحادگرایی در مقابل ملی‌گرایی ترامپ، بیش‌ازپیش با ایالات متحده زاویه پیدا کرده است. به نظر باید سفر روز گذشته تیلرسون را پاسخی به تحرک دیپلماسی آلمان در این بحران و همچنین دلجویی از قطر دانست که هم‌پیمایی مهم برای آمریکا در منطقه محسوب می‌شود. نباید فراموش کرد که پایگاه نظامی العديد در قطر، حدود ۱۰ هزار نیروی آمریکایی را در خود جای داده و مرکز فرماندهی عملیات هوایی آمریکا در سوریه محسوب می‌شود؛ پایگاهی که در صورت تیره‌وتارشدن روابط دوحه- واشنگتن، پیداکردن جایگزینی برای آن حداقل در کوتاه‌مدت غیرممکن به نظر می‌رسد.

که بسیاری از موارد تحریمی علیه روسیه اجباری هستند و ترامپ نمی‌تواند با توجه به‌خطرآفتادن امنیت ملی آمریکا آنها را رد کند.

بی‌خبری ترامپ

در همین حال دونالد ترامپ به حمایت از فرزندش در ماجرای دیدار با وکیل روس برخاسته و با انتشار بیانیه‌ای گفته است: «سر من انسانی با توانمندی‌های زیاد است و من از شفافیت او استقبال می‌کنم». دونالد ترامپ جوونیور پس از بالاگرفتن جنجال ملاقاش با ناتالیا ولسنیستسکایا، وکیل روس وقوع چنین دیداری را تأیید کرده و گفت به این امید با این وکیل دیدار کرده که اطلاعات و مدارکی علیه هیلاری کلینتون، رقیب پدرش در انتخابات ریاست‌جمهوری به دست آورد. ترامپ جوینیور سه‌شنبه در گفت‌وگویی تلویزیونی با شبکه خبری فاکس نیزو گفت که این دیدار در نهایت «چیز مهمی نبود و به معنای واقعی کلمه فقط ۲۰ دقیقه وقت تلف‌کردن بود».

منتقد آمریکا، سفیر جدید روسیه

روسیه قصد دارد یک دیپلمات بازنشسته را که به دنبال بحران اوکراین تحت تحریم‌های اتحادیه اروپا قرار گرفته بود، به‌عنوان سفیر جدید خود در آمریکا منصوب کند. بنا بر گزارش «بلومبرگ»، «آنتاولی آنتونوف»، گزینه مسکو برای

تصدی سفارت آمریکا به‌شدت منتقد سیاست‌های

آمریکا‌ست. بنا بر این گزارش، سه نفر از مقامات مطلع از این طرح روسیه که خواستند نشاناش فاش نشود، اعلام کردند، او قرار است اواخر سال جاری

میلادی جایگزین «سرگئی کِسیلیاک» سفیر فعلی روسیه در آمریکا شود که در ماه‌های گذشته در مرکز اتهامات مختلف بر سر تماس‌ها میان کارزار انتخاباتی «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور آمریکا و کاخ کرملین بوده است. کاخ کرملین هنوز رسماً انتصاب آنتونوف به‌عنوان سفیر جدید روسیه در آمریکا را اعلام نکرده است. «سرگئی روگوف» هماهنگ‌کننده علمی مؤسسه مطالعات کانادایی «ایزوستیا» اعلام کرد، سرگئی کِسیلیاک قرار است ۲۲ جولای (ماه جاری میلادی) به مسکو بازگردد.

سقوط یک راکت در کربلا

● منابع عراقی از اصابت یک راکت به منطقه‌ای در شمال شرق کربلا خبر دادند. به گزارش ایسنا، به نقل از شبکه خبری سومریه نیز، منابع عراقی اعلام کردند: یک راکت صبح چهارشنبه به محله

نیسان از توابع شهرک الحسینیة در شمال شرق کربلا اصابت کرده است. این منابع گفته‌اند: مشخص نیست چه طرفی این راکت را شلیک کرده و هنوز میزان تلفات مشخص نیست اما آمبولانس‌ها و خودروهای پلیس به این منطقه اعزام شده‌اند. همچنین کمیته امنیتی شورای استانداری کربلا از کشف و ضبط خودروی بمب‌گذاری‌شده در نزدیکی مرقد امام‌زاده عون(ع) یکی از فرزندان حضرت علی(ع) در شمال کربلا خبر داد. عقیل المسعودی، رئیس این کمیته به سومریه نیز گفت: نیروهای پلیس توانستند این خودروی بمب‌گذاری‌شده را کشف و ضبط کنند. این خودرو حاوی ماده سی‌فور شدیدالانفجار و نیز بمب‌های دست‌ساز بوده که نیروهای امنیتی توانستند آن را خنثی کنند.

خبر

حمایت ترامپ از پسر ارشدش

احتمال افزایش تحریم‌های آمریکا علیه روسیه

● ماجرای دیدار پسر «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهوری آمریکا، و وکیل روس موجب شده تا برخی از قانون‌گذاران آمریکایی به‌دنبال تصویب نهایی هرچه سریع‌تر تحریم‌ها علیه روسیه باشند. به گزارش دویچه وله، این‌ در حالی است که ترامپ از پسرش دفاع کرده و «شفافیت» عملکرد او را ستوده است. در این میان بن کاردین، عضو ارشد حزب دموکرات در کمیته روابط خارجی سنا گفته است آنچه میان دونالد ترامپ جوینیور، فرزند رئیس‌جمهور آمریکا و وکیل روس رخ داده، «تأکیدی بر نحوه عملکرد روسیه» است. به نوشته خبرگزاری رویترز، کاردن خاطرنشان کرده که تحریم‌ها علیه مستکو در اصل می‌بایست به دلیل مداخله روسیه در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، اشغال بخش‌هایی از اوکراین و کره‌جستان و همچنین حمایت روسیه از دولت بشار اسد پیش‌تر به تصویب می‌رسیدند. سنای آمریکا ۱۵ ژوئن با ۹۸ رای موافق در برابر دو رای مخالف طرح تحریم‌های روسیه را تصویب کرد اما این مصوبه از آن زمان به دلیل اختلافات حزبی میان دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان، در مجلس نمایندگان آمریکا با مانع برخورد کرده است. طرح تحریم روسیه در اصل متممی بر طرح تحریم‌های ایران است که به دلیل توسعه موشک‌های بالستیک، نقض حقوق بشر و حمایت از تروریسم در منطقه‌ای زسوی قانون‌گذاران آمریکایی علیه ایران تنظیم شده است. دولت دونالد ترامپ مخالف بخش‌هایی از طرح تحریم‌ها علیه روسیه است و در همین راستا دیدارهایی میان مقامات رسمی دولت و نمایندگان صورت گرفته است. به موجب این لایحه رئیس‌جمهور آمریکا باید برای کاهش، تسهیل یا پایان‌دادن به تحریم‌های روسیه از کنگره اجازه بگیرد و همین امر از‌جمله دلایل مخالفت دولت ترامپ است. در این لایحه همچنین تصویب شده

که بسیاری از موارد تحریمی علیه روسیه اجباری هستند و ترامپ نمی‌تواند با توجه به‌خطرآفتادن امنیت ملی آمریکا آنها را رد کند.

^[1] به نظر باید سفر روز گذشته تیلرسون را پاسخی به تحرک دیپلماسی آلمان در این بحران و همچنین دلجویی از قطر دانست که هم‌پیمایی مهم برای آمریکا در منطقه محسوب می‌شود

^[2] به نظر باید سفر روز گذشته تیلرسون را پاسخی به تحرک دیپلماسی آلمان در این بحران و همچنین دلجویی از قطر دانست که هم‌پیمایی مهم برای آمریکا در منطقه محسوب می‌شود